

بررسی تطبیقی آرا و اندیشه های علامه فضل الله و سید قطب در خصوص

حقوق زنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

محمود صادقی^۱

تهمینه پارسائی^۲

فیض اله اکبری دستک^۳

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی رویکرد علامه فضل الله و سید قطب در مسائل مربوط به حقوق زنان است. مسائل و حقوق زنان در سده های اخیر به یکی از مهمترین مسائل سطوح اجتماعی تبدیل شده است. با تغییرات گوناگونی که در تمامی ساحات زندگی بشر به وجود آمده، حقوق زنان در اسلام نیز مورد نقد و چالش های تازه ای قرار گرفته است، در مواجهه با این نقدها و چالش ها متفکران و روشنفکران مسلمان از جریان های مختلف در صدد پاسخگویی بر آمده اند که علامه فضل الله و سید قطب از مفسران نوگرای معاصر شیعه و اهل سنت دوتن آنها هستند که هردو با اندیشه بازگشت به قرآن و توجه به اینکه مهمترین عامل پریشانی و انحطاط جوامع اجتماعی را دور ماندن از قرآن و درمان دردهای اجتماعی و شفای آن را بازگشت به قرآن و سیره پیامبر (ص) می دانند به این موضوع پرداخته اند. این مقاله «حقوق زنان» از جمله فعالیت های اجتماعی، حکومت و ارث را در آثار هر دو اندیشمند با روش اسنادی و کتابخانه ای تحلیل و بررسی کرده است. از نظر هر دو متفکر، اسلام در مقام انسانیت و بُعد روحی، نگاه یکسانی به زن و مرد دارد و هیچ تفاوتی وجود ندارد، اما در خصوص اختیارات علامه هیچ تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست و موارد استثنایی را از موارد خاص دانسته که علت دارد، اما سید قطب با تصریح بر اصل برابری زن و مرد، تفاوت در مسئولیت ها را ناشی از تفاوت استعدادها می داند که منافاتی با عدالت و برابری ندارد.

کلیدواژه ها: حقوق زنان، حکومت، ارث، علامه فضل الله، سید قطب.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: sadeghi.ma57@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول): ptahminaa@yahoo.com
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: f.akbari@kiau.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مباحث بسیار پرطرفدار دوران معاصر مسائل مربوط به حقوق زنان در جهان است، در اسلام، مبنای ارزش گذاری انسان ها کرامت و تقوا ذکر شده است. مردان و زنان، حقوق و تکالیف متفاوتی دارند و نقش های متفاوتی برایشان تعریف شده است؛ بنابراین ضوابطی که شرع برای ساماندهی جامعه مقرر کرده، از جهت جنسیتی متفاوت است.

در عصر حاضر بعضی اندیشمندان شیعه و اهل سنت به بیان حقوق زنان در اسلام پرداخته اند. علامه فضل الله در جایگاه یک اندیشمند شیعی نگاهی مرقی تر نسبت به اسلاف خود به جایگاه و مسائل زنان دارند. ایشان با تدوین کتابی به نام نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی ضمن بررسی نقش زنان در فقه و حقوق، به برخی شبهات و القانات نادرست مطرح در این باب پاسخ داده است. به علاوه نظرات ایشان در خصوص زنان و حقوق آنها در کتابی به نام (دنیای زن) که مصاحبه و گفتگویی است از خانم سهام حمیه با علامه فضل الله که توسط دفتر پژوهش و نشر سهرودی به فارسی نیز ترجمه شده، گردآوری شده است. علاوه بر این کتاب، علامه در تفسیر من وحی القرآن، قرائه الجدیده فی الفقه المره و تاملات الاسلامیه حول المرأه به حقوق و مسائل زنان پرداخته است. در میان اندیشمندان اهل سنت، سید قطب، گرچه به طور جدی به مسایل زنان نپرداخته است، اما مسایل زنان در نگاه پیروانش به شدت وامدار تعالیم وی است. سخنان او در این زمینه به طور عمده در دفاع از تعالیم جنسی و مقررات جنسیتی اسلام از یک سو و انتقاد از وضعیت زنان در جوامع اسلامی از سوی دیگر، خلاصه می شود. در این پژوهش سعی شده است، با اخذ اصول اندیشگانی این دو متفکر در ابتدا چهارچوب نظرات ایشان درباره حقوق زن تبیین و سپس به مقایسه و سنجش نظرات ایشان در موضوع حقوق زن پرداخته شود.

اهداف و پرسش

هدف اصلی این پژوهش، تبیین حقوق و جایگاه زن از دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت است؛ از این رو، در این نوشتار به مقایسه تطبیقی آرای تفسیری دو شخصیت برجسته یعنی علامه فضل الله از علمای شیعی و سید قطب از علمای اهل سنت در مورد زن و مسائل مربوط به آن، پرداخته شده است.

این دو اندیشمند نظرات خود در باب حقوق و جایگاه زن در اسلام را در کتاب‌های تفسیری خود؛ یعنی «من وحی القرآن» تألیف سید محمد حسین فضل الله و تفسیر «فی ظلال القرآن» تألیف سید قطب و برخی دیگر از آثارشان تبیین کرده‌اند.

بنابراین پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: آرا و اندیشه‌های علامه فضل الله و سید قطب در خصوص حقوق زنان چیست و چه اشتراکات و افتراقاتی دارد؟

سوالات فرعی پژوهش عبارتند از:

۱. برابری زن و مرد در اسلام از نظر علامه فضل الله و سید قطب چگونه است؟
۲. در اعتقاد علامه فضل الله و سید قطب، زنان در فعالیت‌های اجتماعی، چه جایگاهی دارند؟
۳. حکومت کردن زنان در اسلام از نگاه علامه فضل الله و سید قطب چگونه است؟
۴. جایگاه شهادت زنان از نظر علامه فضل الله و سید قطب چیست؟
۵. تفاوت ارث در اسلام از نظر علامه فضل الله و سید قطب چگونه است؟
۶. کیفیت روابط همسران در اسلام از نظر علامه فضل الله و سید قطب چگونه است؟
۷. نظر علامه فضل الله و سید قطب در مورد کسب و کار زنان چیست؟

پیشینه پژوهش

درخصوص این پژوهش تحقیقات متعددی بطور مستقل و با محوریت یکی از مفسران فوق و یا به شکل مقایسه‌ای شکل گرفته است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مقاله «بررسی تطبیقی جایگاه زن مسلمان در اندیشه شهید مطهری و سید قطب مقاله» نوشته مینا جهان‌شاهی و دیگران؛ در این مقاله، جایگاه زن در اسلام از منظر دو اسلام‌گرای اصل‌گرای اصلاح‌گر (یکی از تشیع و دیگری از تسنن) مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله مسئله زن در اسلام را در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی با استمداد از روش اسنادی و کتابخانه‌ای تحلیل و واکاوی کرده است.

۲. مقاله «نگاهی به دیدگاه‌های مفسران در مورد گواهی (شهادت) زنان در قرآن» نوشته حسن خانی، احمد رضا؛ آنچه در این نوشتار دنبال می‌شود، ارائه و تحلیل نظرات مفسران و صاحب‌نظران اسلامی از جمله سید قطب در خصوص علت و فلسفه تفاوت گواهی زن و مرد است.
۳. مقاله «جایگاه زن در قرآن و تورات» نوشته مرضیه صالحی؛ در این مقاله به تقسیم ارث میان زن و مرد از نگاه سید قطب می‌پردازد و اینکه از نظر او آیین تقسیم ارث در اسلام عادلانه‌ترین آیینی است که بشریت از آن آگاه است و هرگز نظر آن نیست که از جنسی در مقابل جنس دیگری طرفداری شود.
۴. مقاله «فلسفه عده طلاق از منظر مفسران فریقین» نوشته محسن علی جانی و احمد قدسی؛ مقاله حاضر به دنبال تبیین حکمت عده بعد از طلاق و چرایی ضرورت آن برای زنان و علت عدم نیاز برخی زنان به نگهداری این عده پس از اجرای حکم طلاق، با استفاده از دیدگاه‌های تفسیری مفسران فریقین از جمله سید قطب است. مقاله حاضر ضمن پاسخ به سوال‌های مربوطه، روشن نموده که عده طلاق در جای خود، مطابق با اصول اخلاق اجتماعی بوده و یک آموزه حقیقی است و اعتباری نیست.
۵. مقاله «المرأة عند العلامة فضل الله قراءة في تأملات إسلامية حول المرأة» نوشته سلمان العید؛ در این مقاله به فلسفه تفاوت بعضی احکام اسلام در خصوص زن و مرد از دیدگاه علامه فضل الله پرداخته است. تفاوت‌هایی مانند دو برابر بودن ارث فرزند پسر نسبت به دختر؛ تفاوت در دیه، قوامیت مرد نسبت به زن و جایگاه قضاوت زنان در اسلام.
۶. مقاله «المرأة إنسان دراسة في إنسانية المرأة عند العلامة فضل الله» نوشته عماد الهاللی؛ این مقاله می‌کوشد تا با تتبع در نوشته‌های علامه فضل الله، دیدگاه ایشان نسبت به جایگاه زن بیان کند و اینکه زن قبل از اینکه یک جنسیت باشد یک انسان است و اسلام به زن با این دید نگرسته است.
۷. مقاله «بررسی تطبیقی حقوق جنسی زوجه از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و علامه فضل الله (ره)» نوشته مریم قوجایی خامنه و معصومه برخوردار؛ این مقاله با بررسی تطبیقی حقوق جنسی زوجه از دیدگاه این دو مفسر به این نتیجه می‌رسد که علامه طباطبایی، بنا بر نظر مشهور فقهی، قائل

به حق جنسی زوجه هر چهار ماه یک‌بار است؛ در حالی که علامه فضل‌الله، به دلیل ناسازگاری این امر با نیازهای جنسی زنان، هدف ازدواج و معاشرت به معروف، این فاصله زمانی را قابل پذیرش نمی‌داند و معتقد است دیدگاه مشهور فقهی، نیازمند بازنگری است.

۸. مقاله «نگرش اسلام به زن و روابط بین زن و مرد از دیدگاه سید قطب» نویسنده گل سخن شهری؛ بنا بر این نوشتار، سید معتقد است که مسئله روابط زن و مرد با تمام جزئیات با وضوح و دقت و تأکید توسط منابع اسلامی مشخص و این‌ها همه بر پایه‌ی حقایق فطرت بنا شده است. اسلام اجازه نمی‌دهد که روابط بین زن و مرد به صورت روابط حیوانی درآید؛ زیرا در اسلام هدف از آمیزش زن و مرد بالاتر از یک آمیزش و کامجویی حیوانی است. زن مثل دوران جاهلیت کالا نیست که به ارث گذاشته شود و به عنوان فدیة رد و بدل شود و حق ازدواج و ارث و طلاق نداشته باشد.

۹. مقاله «بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن با تأکید بر آرای آیة‌الله جوادی آملی و سید قطب» نوشته زهرا دیانی دردشتی و سیده فاطمه حسینی میر صفی؛ این پژوهش مدعی است، هر دو دیدگاه، اعطای حقوق مالی و استقلال زن بر مدیریت اموال خویش را از آموزه‌های قرآن می‌دانند، ولی سید قطب معتقد است، زنان نباید نقش اصلی خود را در خانه، کم رنگ کنند و هرگونه فعالیت اقتصادی که موجب تضییع حقوق شوهر شود، جایز نیست و با اشتغال آنان به علت داشتن حق نفقه و مسئولیت همسری و مادری، به جز در موارد ضروری موافق نیست؛ در حالی که اغلب مفسران شیعی به ویژه آیة‌الله جوادی آملی، اشتغال زنان را در صورت عدم تداخل با مسئولیت همسری و مادری و با رعایت ضوابط شرعی، بلامانع دانسته‌اند.

۱۰. پایان نامه «بررسی شخصیت زن از دیدگاه مفسران معاصر (المنار-الجواهر-فی ظلال القرآن-المیزان-نمونه)» نوشته فتحیه فتاحی زاده؛ این تحقیق به بررسی شخصیت زن از دیدگاه مفسران معاصر از جمله سید قطب می‌پردازد. این رساله به نقش تاریخی آموزه‌های اسلام در احیای شخصیت زن و تکریم اسلام از زن پرداخته است. مبانی شخصیت زن از دیدگاه اسلام، با توجه به خلقت او، حقوق و تکالیفش از نظر اسلامی و چرایی قرار نگرفتن زن در جایگاه شایسته و بایسته اش در جوامع اسلامی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱۱. مقاله «علامه محمدحسین فضل الله و فراخنای اندیشه شیعی در حوزه مشارکت اجتماعی زنان»

نوشته مرضیه محمصص؛ مهم ترین یافته های این مطالعه، این است که یکسان بودن مبدا پیدایش انسان ها، کرامت ذاتی انسان ها، عقل گرایی و اجتماع گرایی از اصلی ترین مبانی تفسیری علامه فضل الله در تبیین مشارکت اجتماعی زنان است. علامه فضل الله با تاکید بر تساوی عقلی زنان و مردان، اختصاص قوامیت مردان به کانون خانواده، نفی قوامیت مردان در حوزه خانواده با تعریف مردسالارانه و جواز تصدی مشاغل اجتماعی توسط زنان، مخاطبان را به جواز مشارکت اجتماعی زنان سوق می دهد.

۱۲. پایان نامه «بررسی تطبیقی آیات زنان در تفسیر (المیزان علامه طباطبائی - من وحی القرآن محمدحسین فضل الله)» نوشته آسیه لطیفی؛ این نوشتار با هدف تبیین دیدگاه های علامه طباطبائی و علامه فضل الله درباره زنان، آیات مسئله برانگیز زنان را مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است. در این پژوهش، ۱۰ آیه مشکله از منظر این دو مفسر بررسی شده است. نویسنده بر این باور است که علامه طباطبائی در تفسیر برخی از این آیات دارای دیدگاه سنتی و علامه فضل الله نگاهی نواندیش و اصلاح گرایانه نسبت به تفسیر این آیات دارد.

مفاهیم پژوهشی

۱. حقوق زنان

حقوق زنان اصطلاحی است که اشاره به آزادی و حقوق زنان در تمامی سنین دارد. ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشوند. دلیل گروه بندی خاص این حقوق تحت عنوان زنان و جدا کردن آن از حقوق عام تری مثل حقوق بشر این است که بنا بر تئوری، این حقوق، در بدو زاده شدن برای تمام بشر به رسمیت شناخته می شود، اما مدافعان حقوق زنان نشان می دهند که به دلایل تاریخی و فرهنگی زنان و دختران بیشتر از مردان از شمول این حقوق خارج می شوند. مبحث حقوق زنان معمولاً شامل و نه منحصر به این موارد می شود: تمامیت بدنی و خودمختاری، حق رأی، حق کار، حق دستمزد برابر به خاطر کار برابر. حق مالکیت، حق تحصیل، حق شرکت در ارتش، حق

مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت حقوق سرپرستی، ازدواج و مذهبی.
(<https://fa.wikipedia.org>)

۲. حکومت

حکومت در لغت در معانی قضاوت کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت کردن، حکم راندن و فرماندهی بکار رفته و حکومت راندن به معنای اعمال و به کار بردن سلطه و قوه حاکمی. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه) همچنین گفته شده: «أصل الحكومة ردّ الرجل عن الظلم»؛ معنای اصلی حکومت باز داشتن فرد از ظلم و ستمگری است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۱۴۲)

برای حکومت تعاریف مختلفی وجود دارد که در حقوق و علوم سیاسی به سه معنا تعریف می شود:

۱. عمل حکومت و رهبری؛

۲. رژیم سیاسی؛

۳. طرز اعمال حاکمیت. (قاضی، ۱۳۹۸: ص ۱۰۲)

اندرو وینسنت جامعه شناس و متفکر علوم سیاسی سه معنا برای حکومت دارد که عبارتند از:

۱- شخص یا اشخاصی که عمل حکمرانی را انجام می دهند.

۲- قوه مجریه در مقابل قوه مقننه و دیگر قوا به معنای مناصب اجرایی

۳- گروه سیاست گزارانی که قوانین را تصویب و اجرا می کنند. (وینسنت، ۱۳۹۱: ص ۵۵)

عمید زنجانی حکومت را به معنای سازمانی که دارای تشکیلات و نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه باشد، تعریف می کند که دولت به وسیله این نهادها تجلی و اعمال حاکمیت می کند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۲)

در تعریف دیگری از شهید صدر آمده است که «حکومت در اسلام عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حاکم اسم راعی و بر فرمانبرداران نام رعیت اطلاق شده است» (جمشیدی، ۱۳۷۷: ص ۱۱)

با توجه به تعاریف فوق، در نهایت می توان نتیجه گرفت که حکومت، نوع سازماندهی و تجلی بیرونی حاکمیت و قدرت سیاسی که جزء تشکیل دهنده دولت یا کشور است، می باشد. که دولت به وسیله حکومت اعمال حاکمیت می کند.

۳. شهادت

شهادت دادن در لغت به معنای گواهی دادن، تصدیق کردن، گواه بودن بر است. (دهخدا)؛ شهادت در اسلام در مورد «حقوق» جاری می شود و حقوق به دو قسم حقوق الهی مانند شراب خواری، زنا و ارتداد و حقوق مردمی مانند حقوق مالی تقسیم می شود. (تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۴۶، مسأله ۱) حق الناس، حقی است که به اسقاط افراد ساقط و منتفی می گردد مانند حق قصاص و حق الله، حقی است که به اسقاط انسان ساقط نمی شود مانند نماز، روزه، جهاد و حج. (فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، محسن جابری عربلو، ص ۸۷) تعداد شهادت مرد و زن که باعث اثبات حق الله و حق الناس می شود، براساس نوع حق الله و حق الناس متفاوت است.

روش پژوهش

روش تحقیق ترکیبی از روش های زیر است:

روش تحلیلی تاریخی: چون می بایست سوابق فکری و اندیشه ای علامه فضل الله و سید قطب در خصوص زن مورد بررسی قرار گیرد.

روش مقایسه ای: به دلیل قیاس فکری و اندیشه ای علامه فضل الله با سید قطب در خصوص زن.

روش تحلیل محتوای متون: با توجه به بررسی آثار و کتب اندیشمندان مورد بحث و کتاب ها و مقالاتی که درباره آن ها نگاشته شده است.

یافته های تحقیق

۱. برابری زن و مرد در اسلام

۱-۱. دیدگاه علامه فضل الله در مورد برابری زن و مرد

علامه فضل الله می گوید: واژه «برابری» براساس دو رویکرد متفاوت، معنای متفاوتی دارد. در یک رویکرد، خاصیت مذکر بودن و مؤنث بودن نادیده گرفته می شود و به مرد و زن بدون ویژگی جنسیشان و به گونه ای نگریسته می شود که گویی آن دو نسبت به یکدیگر هیچ تمایزی ندارند. نتیجه ای که بر این رویکرد مترتب می شود، این است که برای زن همان حقوق و وظایفی در نظر گرفته شود که برای مرد و هیچ تفاوتی

بین حقوق و وظایف آن دو قرار نداد. رویکرد دوم، تنوع و دوگانگی خصوصیت‌های انسانی را که زن و مرد بدان تمایز می‌یابند، در نظر می‌گیرد و به هر کدام فرصت حرکت آزادانه را در دایره ویژگی‌ها و خصوصیاتش می‌دهد. براساس این نگرش، زن به وصف زن بودنش، انسانی کاملاً آزاد است و قوانینی که عرصه روابط او را با مرد مشخص می‌کند، درصدد حفظ توازن خصوصیات او و مرد است. به گونه‌ای که زن و مرد مکمل وجود یکدیگر باشند. چنان که کمال مرد هم در مشارکت با زن در سازندگی حرکت زندگی و فعالیت و پی‌ریزی برنامه‌های آن است. اسلام همین مبنا و رویکرد دوم در باره «برابری» را پذیرفته است. اسلام می‌گوید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ (نساء/۳۲) برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است.» «مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ (نساء/۷) خواه آن مال کم باشد یا زیاد - نصیب هر کس مفروض شده است. « علامه در تفسیر آیه (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ) (آل عمران/۱۹۵) تلاش در مسیر عمل صالح را معیار تقدم و تأخر مرتبه انسانی می‌داند وصحت هرگونه برتری جویی جنسیتی و قومیتی را نفی می‌کند. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۵۹)

از نگاه ایشان، بر مبنای برهان ابطال سلطه طلبی در قرآن، از آنجا که همه انسان‌ها از حقیقتی واحد برخوردارند، پس وجهی برای ترجیح کسی بر دیگری نیست، مگر اینکه به همان مقدار که خواسته و اراده فردی مورد توجه است، خواسته و اراده دیگران نیز مورد عنایت قرار گیرد و نظام اجتماعی بتواند استقرار پیدا کند. در این نگرش برابری حقیقی، برابری در آفرینش برابری در جوهره انسانیت و برابری در امکان رشد و تکامل است و بحث تبعیض نژادی، تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسیتی و قومیتی نفی می‌شود. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶/۴۶۰)

علامه فضل الله با تاکید بر تساوی عقلی زنان و مردان، اختصاص قوامیت مردان به کانون خانواده، نفی قوامیت مردان در حوزه خانواده با تعریف مردسالارانه و جواز تصدی مشاغل اجتماعی توسط زنان، مخاطبان

- را به جواز مشارکت اجتماعی زنان سوق می دهد. از نظر ایشان زن و مرد در آموزه های قرآن با هم برابرند و علت اینکه این امر در طول تاریخ اسلام اینگونه به نظر نمی رسد عبارت است از:
- انحراف قدرت و حکومت اسلامی از خلافت و تبدیل آن به پادشاهی؛
 - نبود رهبران آگاه و پیشگام و مورد اعتماد بر حفظ اصالت امت؛
 - فرمان عمر مبنی بر منع تدوین سنت نبوی (احادیث) به بهانه در آمیختن احادیث نبوی با قرآن؛
 - دور نگه داشته شدن امامان شیعه (ع) از حرکت اجتماعی، فرهنگی؛
 - حاکمیت وضع آشفته در جامعه اسلامی که جلوی سامان یابی و تحکیم پایه های جامعه را گرفت و زن را به پس ماندگی دچار کرد و چهره او را به گونه انسانی عقب مانده نمایاند و کار به جایی رسید که نگاه احترام آمیز به زن به لحاظ فکری و عقلی و به سبب واقعیت عقب ماندگی او بسیار دشوار شد. (مرادی، ۱۳۸۲: ۳۵)

۲-۱. دیدگاه سید قطب درباره برابری زن و مرد

سید قطب، در خصوص برابری زن و مرد معتقد است؛ انسان از جایگاه رفیعی در اسلام برخوردار است و تمامی آدمیان را فارغ از هر نژاد و قبیله و رنگ تحت کاروان واحد انسانی قرار می دهد و همین نگاه عادلانه و یکسان پندار اسلام است که موجب تمایز و موفقیتش شده است. (سید قطب، ۱۳۹۱، الف: ۲۶۵) سید قطب انسان در اسلام را، همان انسان حقیقی می داند با تمامی ابعادی که او را شکل می دهد و در اسلام به همه آنها توجه شده و هیچ یک از آنها مورد نقد یا مذمت قرار نگرفته است و انسان در اسلام متناسب با بار امانت و وظیفه خلافتی که به او اهدا شده، مجهز به استعدادها و امکانات ویژه ای شده است. (سید قطب، ۱۳۹۳: ۶/۶۵۳)

او معتقد است؛ اسلام با نگاه مساوات خود برای همه، یکسانی و برابری را به ارمغان آورده و زن و مرد تحت همین لوای یکسان قرار دارند و مساوات میان آنها از لحاظ جنس و نوع به طور کامل برقرار است و جز در برخی جهات و حالاتی که به استعداد و عقل و متفرعات آن مربوط بوده، در اختلاف اساسی انسانی دو جنس هرگز تفاوتی وجود ندارد. (سید قطب، ۱۳۹۲: ۸۸)

اینکه مرد متکفل و کاراندیش و مدبر زن است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». (نساء/۳۴) «مردان متکفل و کاراندیش زنان اند به جهت آن برتری که خداوند بعضشان را بر بعضی داده و به جهت انفاقی که از مال خود نموده اند.» وجه این تفضیل و برتری همان استعداد و مهارت و اعتدال مزاجی است که از مختصات تکفل و کاراندیشی است. مرد به حکم رهایی اش از تکالیف و زحمات مادری، به مقدار زیادی با مهارت در امور اجتماعی روبه روست و با قوای فکری خود مهبیای آن می‌گردد، در حالی که زن عمده عمر و روزگار خود را در راه همان تکالیف مادری صرف می‌کند. بالاتر اینکه تکالیف مادری در زن، عواطف و احساسات را تقویت می‌کند و به همان اندازه در مرد تأمل و فکر رشد می‌کند. (قطب، ۱۳۹۲: ۷۰)

سید قطب با استناد به آیه «و من عمل صالحاً من ذکرا و اونثی و هو مؤمن فلنحییه حیوه طیبه و لنجزینهم اجرهم با حسن ماکانوا یعلمون». (نحل/۹۷) «هر کس از مرد یا زن عمل صالحی انجام دهد و مؤمن هم باشد داخل بهشت شده و به قدر پوسسته هسته خرمایی هم ستم نخواهد شد.» معتقد است اسلام برای زن مساوات کامل با مرد را از نظر جنس ضمانت نموده و جز در بعضی جهات و حالاتی که به استعداد و عقل و متفرعات آن مربوط بوده نه به اختلاف اساسی انسانی دو جنس، هرگز تفاوتی قایل نشده است. بنابراین هر جا استعداد و عقل و متفرعات آن مساوی شد، آن دو هم مساوی هستند و هر جا اختلاف داشت، تفاوت بین آن دو فقط از آن نظر خواهد بود. بنابراین زن و مرد از نظر دینی و روحی مساوی اند.

۳-۱. مقایسه دیدگاه علامه فضل‌الله و سید قطب در خصوص برابری زن و مرد

هر دو متفکر معتقدند، از نظر اسلام، زن و مرد در بُعد انسانیت و در مرتبه روحی هیچ برتری بر یکدیگر ندارند و با هم برابرند. اما در بُعد توانایی و استعداد ها، سید قطب معتقد است، اسلام جز در بعضی جهات و حالاتی که به استعداد و عقل و متفرعات آن مربوط بوده نه به اختلاف اساسی انسانی دو جنس، هرگز تفاوتی قایل نشده است. علامه فضل‌الله با تأکید بر تساوی عقلی زنان و مردان، اختصاص قوامیت مردان به کانون خانواده، نفی قوامیت مردان در حوزه خانواده با تعریف مردسالارانه و جواز تصدی مشاغل اجتماعی توسط زنان، مخاطبان را به جواز مشارکت اجتماعی زنان سوق می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت اشتراکات هر دو متفکر در بحث تساوی زن و مرد زیاد است گرچه می‌توان در این مسئله علامه فضل‌الله یک گام جلوتر

است و حتی وجود بعضی استعدادها در مرد را نسبت به زن که موجب توان پذیرش بعضی امور توسط مرد می شود، هم رد می کند.

۲. فعالیت های اجتماعی زنان

۲-۱. دیدگاه علامه فضل الله درباره فعالیت های اجتماعی زنان

فضل الله معتقد است، حرکت اجتماعی زنان در عصر کنونی، آثار مثبت فراوانی در پی داشته است؛ زیرا با گشوده شدن درهای معرفت به روی زن، او توانسته است نوآوری های علمی فراوانی به جامعه بشری عرضه کند. زنی که درهای کار، فعالیت، تجربه و کسب آگاهی به رویش باز شده، توانسته است ثمرات ارزشمندی را برآورد. این ثمرات در سطح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است. اما در عین حال می توان گفت، چنین جنبشی که ره آوردهای عظیمی برای زنان به دنبال داشته، همراه با بسیاری از اموری بوده که اخلاق و سیمای زن را تخریب کرده است. اگر در روزگاران گذشته، زن ابزاری برای شهوت رانی مرد بود در اوضاع کنونی، زن از این حالت دور نشده؛ بلکه این مسئله شدت یافته است. امروزه بر اساس سیاست های تبلیغاتی، از چهره زنان در ترویج کالاهای مصرفی استفاده می شود و تصویر برهنه و شبه برهنه زنان در تبلیغات، ابزار جذب و جلب توجه مردان به کالاهاست. ایده مسابقات ملکه زیبایی یا نمایش مدها و مانکن ها از همین جا رواج یافته که چنین زنانی اتهامی تام به بدن خود دارند تا مردان را شیفته خود کنند و در این کار جسم زن است که ارزش و جایگاه اجتماعی اش را تعیین می کند.

در بسیاری از مشاغل، ویژگی های ظاهری و جسمانی زن برای تبلیغات سودآور مورد توجه است. صاحبان مؤسسات تبلیغاتی، تجارتي و حتی صنعتی به زیبایی فروشندگان، منشی ها و گویندگان زن برای جذب مشتری ها و کسب مال و شهرت اهمیت فراوان می دهند. حتی دستگاههای اطلاعاتی در کار جاسوسی از زنان به عنوان طعمه ای برای به دام انداختن افراد و واداشتن آنان به اجرای برنامه های خود استفاده می کنند. هنوز نیز ذهنیت پرده نشینی به رغم الغای سنت پرده نشینی در نظام اجتماعی، بر نوع نگاه مرد به زن حاکم است؛ زیرا مردان، زنان جوان را شکار می کنند و به شمار زنانی که شکار کرده اند فخر می فروشند. بنابراین ملاحظه می کنید که نگاه ابزارانگارانه به زن که سابقا رواج داشته، هنوز نیز تغییر نیافته است و چه بسا به مدد شیوه های امروزی تثبیت و تحکیم شده است؛ زیرا زنان باسواد و تحصیل کرده و کارشناس

حتی در زمینه‌هایی که به علم و فرهنگ مربوط می‌شود، نسبت به زنان برخوردار از زیبایی و جذبه جسمی، فرصت کمتری برای کار و اشتغال دارند. مفهوم این واقعیت آن است که عصر حاضر نیز نتوانسته است ارزش زن را ارتقا دهد. البته فراهم سازی فرصت کار و تحصیل برای زن کافی نیست تا بتوان گفت که ارزش زن در بورس جامعه بالا رفته است؛ بلکه باید نگاه به او را از حد صرف جسمی که کشش غریزی دارد به حد انسانی واجب الاحترام تغییر دهیم. در چنان شرایطی است که می‌توان اقرار کرد که زن در سطح و جایگاه انسانی ای که به عنوان یک انسان سزاوار آن است، قرار نگرفته است. (مرادی، ۱۳۸۲: ص ۳۸)

۲-۲. دیدگاه سید قطب درباره فعالیت‌های اجتماعی زنان

سید قطب، انسان را موجودی مدنی بالطبع توصیف می‌کند و او را در این خصیصه با گیاهان و حیوانات مشترک می‌داند. از نظر او جمع‌گرایی منطبق با فطرت انسان و در جهت دستیابی به اهداف اوست. بنابراین، هنگامی که انسان به ندای فطرت خویش گوش می‌دهد در راه موفقیت گام برداشته و زمانی که آن را نادیده می‌گیرد؛ از مسیر اعتدال منحرف می‌شود. (سید قطب، ۱۳۹۵: ۶۱۱)

از نظر او، اسلام نه تنها با حضور زن در اجتماع مخالفتی ندارد؛ بلکه به زنان حق کسب و کار نیز داده است، درحالی که بسیاری از مکاتب و اندیشه‌های غربی، سالها پس از اسلام آن را به رسمیت شناخته‌اند. اسلام برای تمامی انسان‌ها تناسب و وظایف با تناسب استعدادها و توانایی‌ها را در راستای تکاملشان در نظر گرفته است و در ارتباط با زن و مرد نیز این اصل را مراعات کرده است. زنان را مسئول خانه و خانه داری و مردان را مسئول امور خارج از منزل قرار داده است. (سید قطب، ۹۷: ۱۳۹۲) به باور او، کار در خارج از منزل از نظر اسلام برای زنان پذیرفته شده است؛ اما به دلیل معایب و نکات منفی که در بردارد، برای زنان بهتر آن است که به وظیفه اولی و اصلی خود که همانا همسر داری و فرزند داری است بپردازند. به نظر سید قطب، زن یا همسر یا مادری که وقت و کوشش و نیروی روحی و جسمی خود را در کار بیرون از منزل صرف می‌کند، در فضای خانه چیزی جز خستگی، ملال و سهل انگاری در کارها داخلی به وجود نمی‌آورد؛ از همین رو او کار خارج از منزل زنان را برای به دست آوردن معاش، شکست دردناکی برای خانه و خانواده قلمداد می‌کند.

(سید قطب، ۱۲۳: ۱۳۹۱)

از نگاه سید قطب، آزادی زن به تعریف غربی‌ها، از منظر اسلام نوعی بردگی زنان در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که تنها ابعاد جسمی و برهنگی زن است که مهم می‌شود، اما اسلام زنان را از اینکه نیمه عریان از خانه

خارج شوند و نظرهای عاشقانه خود را در میان مردم تقسیم کنند و خنده های فاجرانه به مردان تحویل دهند، نهی کرده است. (سید قطب، ۱۱۷: ۱۳۸۳)

او همچنین معتقد است اسلام، مبتنی بر اصل انطباق با تمامی تمایلات و خواسته های انسان، به روحيات و خلیات زنان در زینت و تبرج و آراستگی توجه داشته و آن را حرام نکرده است؛ بلکه آن را سامان مند و نظام مند کرده تا زنان در برابر نامحرمات در سطح اجتماع زینت ها و آنچه را که باعث جلب توجه و انحراف شود، پوشیده نگه دارند. (سید قطب، ۱: ۸۱۳/۱۳۹۳)

۳-۲. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب درباره فعالیت های اجتماعی زنان

هر دو معتقدند که اسلام، مخالف حضور اجتماعی زنان نیست؛ البته سید قطب قائل است اگر چه اسلام مخالف حضور اجتماعی زنان نیست، ولی برای زنان بهتر آن است که به وظیفه اولی و اصلی خود که همانا همسر داری و فرزند داری است بپردازند اما علامه فضل الله قائل به چنین اولوی نیست.

۳. حکومت زنان

۳-۱. دیدگاه علامه فضل الله درباره حکومت زنان

علامه فضل الله معتقد است، اسلام راه برای فعالیت های اجتماعی زن باز گذاشته است، گرچه ممکن است به خاطر پیچیدگی شرایط جامعه، در سپردن امور جامعه به دست زن، اقدامی نکرده باشد. سرپرستی مرد مانع فعالیت سیاسی و اجتماعی زن نیست و نگاهی به تاریخ اسلام، گواه فعالیت های سیاسی و اجتماعی زنان است. وی زن و مرد را مکمل هم می داند و این امر را ویژگی جامعه موفق می داند. ایشان تصدی ریاست جامعه را از سوی زن جایز می داند و روایتی دال بر منع این کار را ضعیف می داند. وی مرجعیت زن را نیز می پذیرد و در باب امام جماعت شدن زن برای مردان، معتقد است، این امر ممکن است به تحریک غریزه مردانگی مردان منجر گردد که با فضای معنوی نماز نمی سازد.

۳-۲. دیدگاه سید قطب درباره حکومت زنان

سید قطب درباره نقش یکسان زنان و مردان در مسائل اجتماعی و سیاسی در تفسیر آیه (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ مردان و زنان مؤمن، برخی بر برخی ولایت و سرپرستی دارند و یکدیگر را امر به معروف می کنند و

از منکر باز می‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. (توبه: ۷۱) می‌گوید: این آیه دلالت دارد که بین مرد و زن مؤمن در انجام مسئولیت‌های اجتماعی تفاوتی وجود ندارد و هر دو از نظر طبیعت و ماهیت یکسان هستند، به همین جهت هر دو در جامعه از مسئولیت برخوردار بوده و موظف‌اند که برای ترغیب افراد جامعه به انجام کارهای خیر و باز دارندگی آنها از مفساد اجتماعی و منکر تلاش نمایند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۶۷۵) این آیه به خوبی دلالت دارد که زنان نقش هدایت‌گری و امر به معروف و بازدارندگی از زشتیها و ناهنجاری‌ها را در همه زمینه‌های اجتماعی و حقوقی برعهده دارند.

در اسلام با وجود اشتراک مرد و زن در انسانیت و تساوی در حقوق اجتماعی، از نظر جسمی و روانی میان آن دو تفاوت‌هایی نیز وجود دارد، به گونه‌ای که نظام خلقت هریک برای انجام وظایفی متفاوت، آفریده شده است. برهیچ انسانی پوشیده نیست که مرد و زن از نظر تکوینی و خصوصیات بدنی و روحی، عواطف و احساسات با یکدیگر فرق دارند. مردان نوعاً از نظر جسم قوی‌تر از زنان بوده و دارای روحیه‌ای جدی و خشن هستند، درحالی‌که زنان به طور معمول ضعیف‌تر از مردان و دارای احساسات و عواطف بیشتر و حساس‌تری می‌باشند. ولی این تفاوت‌های جنسی و جسمی زن و مرد، معنای برتری را افاده نمی‌کند؛ بلکه به معنای نظام‌مندی در کارها بوده و براساس عدالت صورت گرفته است.

۳-۳. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب درباره حکومت زنان

علامه فضل الله ریاست جامعه توسط زنان را می‌پذیرد اما سید قطب با اینکه قائل به تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد است، اما چون در تکوین و خصوصیات بدنی بین زن و مرد تفاوت وجود دارد بنابراین واگذاری بعضی مسئولیت‌ها به زنان را منافات با خصوصیات روحی و جسمی زنان می‌داند و از همین رو اسلام خیلی مسئولیت‌های اجتماعی را به زنان واگذار نکرده است

۴. شهادت زنان

۱-۴. دیدگاه علامه فضل الله درباره شهادت زنان

فضل الله در خصوص شهادت زنان می‌گوید: قرآن درباره برابری شهادت دو زن با یک مرد، چنین تعلیل کرده است:

ان تَضَلَّ احداهما فتذكر احداهما الاخری؛ تا اگر یکی از آن دو فراموش کرد، دیگری به یادش آورد. این تعلیل، نشان می‌دهد که این مسئله ناشی از نگاه تحقیرآمیز و نامطمئن نسبت به زن نیست؛ بلکه از باب

احتیاط در عدالت است. در همین آیه، ملاحظه می شود که خطای یک زن را هم زن دیگر تصحیح می کند و این خود نشان از اعتمادی است که به زن شده است. از سوی دیگر، فقها درباره بینة ای که در مقام قضا طلب می شود، شهادت یک مرد را کافی نمی دانند و شهادت دو مرد عادل را طلب می کنند. آیا این به معنای بی احترامی به شاهد اول است؟ خیر، این مسائل از باب رعایت احتیاط در عدالت است. در باب شهادت نیز گاهی شهادت یک زن نیز درباره بکارت و ازاله بکارت پذیرفته می شود. برای مثال درباره زنا شهادت چهار شاهد لازم است. در باب حدود و خون، نیاز به احتیاط بیشتری است. از این روست که می گوئیم این مسئله از باب احتیاط در عدالت در اموری است که نیازمند احتیاط است. (۱۳۹۱ مجله حوزه شماره ۱۶۳)

۲-۴. دیدگاه سید قطب درباره شهادت زنان

سید قطب ضمن پذیرش تساوی حقوق زن و مرد معتقد است؛ در برخی فروع عملی مانند میراث و شهادت قضایی، مرد بر زن ترجیح داده شده است. به عقیده او علت تفاوت مزبور، ریشه در اختلاف مسئولیت ها و استعداد های زن و مرد دارد؛ زیرا دو برابر بودن سهم مرد نسبت به سهم زن، به سبب مسئولیتی است که مرد در زندگی خانوادگی بر عهده دارد. در شهادت قضایی نیز برابر بودن شهادت دو زن با شهادت یک مرد، به جهت عاطفه و انفعال بیشتر زن نسبت به مرد، به حکم مادری است. (سید قطب، ۱۳۸۳: ص ۴۹)

۳-۴. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب درباره شهادت زنان

در باب شهادت زنان، هر دو معتقدند این تفاوت از باب تحقیر زن نیست. علامه فضل الله آن را از باب احتیاط در عدالت می داند در اموری که نیازمند احتیاط است. اما سید قطب آن نوعی ترجیح می داند که ناشی از اختلاف مسئولیت ها و استعداد های زن و مرد دارد.

۵. ارث زنان

۱-۵. دیدگاه علامه فضل الله درباره ارث زنان

علامه فضل الله در باره ارث زنان می گوید: البته درست است که خدای تعالی سهم مرد را از ارث دو برابر سهم زن قرار داده است: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَى» (نساء/۱۱) اما ملاحظه می کنیم که شریعت اسلام در مقابل آنچه که به زن بخشیده شده، بخشی از سهم او را در اینجا (ارث) کم کرده است و در مقابل آنچه که از مرد گرفته شده، در اینجا سهم او را بیشتر کرده است. حدیثی از اهل بیت در دست داریم که بر توازن و

تبادل در مسئله ارث تأکید می‌ورزد. در کافی نقل شده است که ابن ابی العوجا گفت: چه می‌شود که زن بیچاره و ناتوان یک سهم از ارث می‌برد و مرد دو سهم؟ یکی از اصحاب این اشکال را برای امام جعفر صادق (ع) نقل کرد. آن حضرت در پاسخ گفت: «زن، به جهاد مکلف نشده و نفقه و عاقله بر او واجب نیست و اینها تنها بر مردان واجب است». در کتاب من لا یحضره الفقیه نیز از محمد بن سنان نقل شد که امام رضا (ع) در پاسخ یکی از مسائل او چنین نوشت: علت اینکه زنان، نصف مردان ارث می‌برند، این است که زن، زمانی که ازدواج می‌کند، [مهر و نفقه] می‌گیرد ولی مرد [مهر و نفقه] می‌دهد، از این رو سهم مردان از ارث بیشتر شده است و علت دیگر این است که زن نان خور مرد است و اگر نیازی پیدا کرد بر مرد واجب است هزینه زندگی (نفقه) اش را پردازد، ولی بر زن واجب نیست هزینه مرد را تأمین کند و نه حتی در صورت نیاز، نفقه اش را پردازد. از این رو دارایی او از مرد بیشتر می‌شود و این است معنای سخن خدای عز و جل که: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». (نساء/۳۴) (فضل الله، ۱۳۸۹: ۱۹۸)

۲-۵. دیدگاه سید قطب درباره ارث زنان

به عقیده سید قطب، تمامی جزئیاتی که در گذشته، در دوران جاهلیت اولیه و امروزه در جاهلیت نوین به مسئله و معضل تبدیل شده است؛ ناشی از برپا نکردن قوانین اسلامی است. او معتقد است، اگر یک جامعه در تمامی ابعاد خود پیرو قوانین و قواعد اسلامی باشد، هیچگاه چالش‌ها و معضلاتی در هیچ زمینه‌ای به طور اعم و مسائل و حقوق زنان به طور اخص پیدا نمی‌کند. (سید قطب، ۵۰: ۱۳۹۱)

او ضمن به تصویر کشیدن وضعیت اسفبار زنان پیش از ظهور اسلام، تصریح می‌کند که در آن دوران زنان در بسیاری از موارد از منظر شخصیت انسانی برابر با مردان در نظر گرفته نمی‌شدند و در بسیاری از شئون به بازیچه دست مردان و ابزار رفع نیاز حیوانی آنان، تبدیل شده بودند. زمانی که مرد فوت می‌کرد، زن او به مانند سایر اموال و دارایی‌هایی که از او به جا مانده بود به سایر بازماندگان ارث می‌رسید. در چنین شرایطی که زن برای اغلب مردم به مثابه کالایی در نظر گرفته می‌شد؛ اسلام به آنان حق ارث و حق مالکیت اقتصادی عطا کرد. (سید قطب، ۱۳۹۳: ۹۲۲/۱)

در باب حق ارث زنان او در تفسیر آیه ۳۲ سوره نساء،^۱ ضمن به رسمیت شناختن این حق برای زنان که تا پیش از اسلام سابقه نداشته است، دلیل اعطای این حق را نه در جنبش‌ها و انقلاب‌های گوناگون زنان و نه بر حسب خواست زنان؛ بلکه بر اساس همان اصل بنیادین عدالت خواهی در نظر می‌گیرد و معتقد است، اسلام همه انسان‌ها را گرامی می‌دارد، به زن که نیمی از پیکره واحده است با تکریم نگاه می‌کند... از اینجاست که حق تملک و حق کسب برای مردان و زنان یکسان است و ناشی از قانون همگانی یزدان است. (سید قطب، ۱۳۹۳: ۵۰/۲)

سید قطب در خصوص ارث زنان، ضمن مخالفت با کسانی که برابری ارث زن و مرد را طلب می‌کنند، می‌گوید: آنها یاوه‌گویان و گردنکشانی‌اند که در برابر خداوند به خاطر ناآشناییشان با سرشت انسان و بی‌خبری از شرایط و ظروف حیات مردان این سخنان را بیان می‌کنند. قطعاً شناخت اصول و ارکانی که نظام اجتماعی اسلامی بر آن استوار است از این یاوه‌گویی‌ها بطور کلی جلوگیری می‌کند. ضمانت اجتماعی اساس این نظام است و برای اینکه ضمانت اجتماعی بر پایه‌های محکمی استوار گردد، اسلام مراعات این را کرده است که بر اساس خواسته‌های سرشتی مستقر در درون بشر پا برجای شود. خواسته‌هایی که بیهوده آفریده نشده‌اند؛ بلکه خداوند آنها را آفریده تا نقش اساسی در زندگی انسان داشته باشند. (قطب، ۱۴۱۹: ۸۹۲/۱) به همین علت است که اسلام محیط خانواده را سنگ بنای ساختمان ضمانت اجتماعی همگانی قرار داده است و ارث را علاوه بر کارهایی که در نظام اقتصادی و اجتماعی همگانی از آن مورد نظر است، مظهري از مظاهر این ضمانت اجتماعی در محیط خانواده کرده است. (همان، ص ۸۹۳)

اینکه سهم مردان دو برابر زنان است؛ در این کار هم جانبداری از جنسی و ستم به جنسی دیگر در میان نیست؛ بلکه کاملاً هماهنگی و دادگری میان مشکلات مرد و مشکلات زن در ایجاد هسته خانوادگی و در نظام اجتماعی اسلام برقرار است؛ چراکه مردی که با زنی ازدواج می‌کند، هزینه زندگی و مخارج فرزندان در همه احوال بر عهده اوست چه زن با او بماند یا طلاق بگیرد. اما زن یا خودش مخارجش را تأمین می‌کند یا بعد از ازدواج مردی مخارجش را برعهده می‌گیرد و زن مکلف به پرداخت هیچ هزینه‌ای نیست، لذا مرد دست

۱ وَلَا تَمْنُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ يَكْفِي شَيْءٍ عَلِيمًا.

کم دو برابر زن بار مشکلات را در هسته خانوادگی و نظام اجتماعی اسلامی بر دوش دارد. پس تقسیم ماترک بدین شیوه عدالت و دادگری است. (همان، ص ۸۹۹) و اسلام سیستمی است که با طبیعت فطرت در پاسخ به رغبت موجود زنده به ویژه انسان همگام است. (همان، ص ۹۰۷)

از نظر اهلیت برای مالکیت و تصرف اقتصادی نیز مساوی اند: لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (نساء، ۷)؛ برای مردان نصیبی از ماترک پدر و مادر و خویشان و برای زنان نصیبی از ماترک پدر و مادر و خویشان است. اما مسئله اختصاص مرد به دو برابر نصیب زن در ارث، مربوط به جهاتی است که مرد آن را در زندگی خویش همراه دارد. او با زنی ازدواج می کند و بر او لازم می شود که آن زن و همچنین فرزندان خویش را عائله و نان خور خود کند و اداره خانواده خود را تماماً بر عهده گیرد.

۳-۵. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب درباره ارث زنان

هر دو اندیشمند مسئله ارث و تفاوت در دو برابر ارث بردن مرد نسبت به زن را ناشی از نگاه دوگانه اسلام به زن و مرد نمی دانند؛ بلکه این امر به دلیل وظایف مالی است که اسلام بر عهده مرد گذاشته است و زن را از آن معاف کرده است مانند نفقه زن و فرزندان. بنابراین در مسئله ارث دیدگاه هر دو یکسان است.

۶. روابط همسران

۱-۶. دیدگاه علامه فضل الله درباره روابط همسران

فضل الله معتقد است، نگاه ارزشی اسلام به غریزه جنسی و ارج نهادن به روابط همسران با هدف کسب آرامش و لزوم پاسخ گویی مناسب به نیازهای جنسی، نشان دهنده اهتمام این شریعت الهی به حقوق جنسی همسران است. با توجه به روح معنوی حاکم بر فرآیند ازدواج و جریان داشتن دو بعد مادی و معنوی در کنار هم می توان غریزه جنسی را امری بنیادین و اساسی دانست نه مسئله ای جانبی و کم اهمیت (همان، ص ۱۹۶) که در روابط همسران بسیار اثرگذار است.

ایشان روش برگزیده اسلام در چگونگی ارتباط مردان با همسرانشان را معاشرت به معروف می داند. معاشرتی که در احترام به عواطف و شخصیت زن شکل می گیرد. این که او را انسانی محترم، صاحب فکر و اراده بداند؛ چراکه انسان از ادراکات و افکارش جدا نیست. از آنجا که ادراکات، عواطف و شخصیت انسان ها با

هم متفاوت است، در صورت تعارض در زندگی مشترک، لازم است همسران به کمک تفاهم، به نوعی انسجام فکری برسند که این در سایه مودت و رحمت حاصل می شود. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۶۳/۷)

۲-۶. دیدگاه سید قطب درباره روابط همسران

سید قطب معتقد است، روابط شوهر و همسرش باید براساس رضایت کامل، اختیار مطلق، گذشت صمیمانه، بخشش کریمانه، مودت و محبتی استوار باشد که با آن از طرف هر کدام زور و فشاری برجا نماند و مهر دل مهربان یاران هر گونه مضیقتی را از صحنه سرای زندگیشان بزداید. (همان، ص ۸۹۱)

او بر این باور است زنان و مردان دارای استعدادها و ویژگی های متفاوتی هستند که تنها نه در ظاهر بلکه در هستی یکایک اندام ها و عصب ها و نیروی عقلانی و نفسانی ریشه دارد. از نظر او خدا زن را به این ترتیب قرار داده که حامله گردد، بزاید، شیر دهد و میوه پیوند خود با مرد را سرپرستی کند؛ از این رو مرد هم باید نیازها و ضرورت های زن را رفع کند تا او بتواند به خوبی وظایفش را انجام دهد. (سید قطب، ۱۳۹۳: ۵۷/۲)

به عقیده سید قطب اسلام چگونگی پیوند زن و مرد را در هر حالتی از زندگیشان و مشترکات آنان و ویژگی هایشان را طبق سازمان فطری و وظیفه شان در اجتماع انسان بیان می کند بدین گونه که حق زن و مرد را در مالکیت و کسب و میراث معین کرده است تا به نظرات نادرستی که زنان را از حق خود محروم می کند، پایان دهد و همچنین نظام خانواده و رفتار زن و مرد را در خانواده معین و حقوق هر کدام را در مقابل دیگری بیان کرده است؛ به این صورت که رابطه زناشویی در برابر مهر آغاز می شود. در اسلام مرد سرپرست خانه است و می باید موجودیت آن را حفظ کند و در صورتی که امکان دوام خانواده نباشد اسلام شرایط طلاق را مشخص کرده است.

از نگاه سید قطب، وظیفه مادری، امری است که از جانب خدا به زنان اعطا و بر آنها واجب شده که به فرزندان خود شیر دهند و از آنها نگه داری کنند و در مقابل پدر نیز از جهت خوراک و پوشاک باید به مادر در نگه داری از کودک مدد رسانند. (سید قطب، ۱۳۹۳، ۳۸۸/۱)

به این ترتیب سید قطب معتقد است که خانواده نهادی در جهت ارضای نیاز فطری انسان است و زن و مرد دونیمه نفس واحده که دارای وظایف و نقش های متفاوتی هستند و مسئله روابط زن و مرد با تمام جزئیات با وضوح و دقت و تأکید توسط منابع اسلامی مشخص شده است و این ها همه بر پایه حقایق فطرت بنا شده که در وجود و ساختمان انسانی و در وجود هر یک از زن و مرد موجود می باشد. به نظر سید اسلام ویژگی

های بین زن و مرد را به طور دقیق و طبق فطرت در نظر گرفته است و اجازه نمی دهد که روابط بین زن و مرد به صورت روابط حیوانی درآید؛ زیرا در اسلام هدف از آمیزش زن و مرد بالاتر از یک آمیزش و کامجویی حیوانی است و نمی توان آن را به یک وسیله ی لذت جویی تنزل داد. به نظر سید زن مثل دوران جاهلیت کالا نیست که به ارث گذاشته شود و به عنوان فدیة رد و بدل شود و حق ازدواج و ارث و طلاق نداشته باشد. او همچنین گردآوری و افزایش کنیزان را در حرم سراها که در دورانی از تاریخ وجود داشته را اصلاً جزو الهامات و دستورات اسلام نمی داند و با آن به شدت مخالفت می کند.

۳-۶. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب درباره روابط همسران

روابط همسران در اسلام از دیدگاه علامه و سید، براساس احترام متقابل و برآوردن نیازهای غریزی و فطری یکدیگر است. از نظر سید تفاوت وظایف در روابط همسری براساس تفاوت وظایف و استعدادهاست.

۷. کسب و کار زنان

۱-۷. دیدگاه علامه فضل الله درباره کسب و کار زنان

از نظر فضل الله، موضوع اشتغال مسئله مهمی در حقوق زنان شمرده می شود. زن مسئول خویش و جامعه ای است که در آن زندگی می کند؛ همان گونه که مرد مسئول خود و جامعه ای است که در آن زندگی می کند. زن و مرد در خارج از دایره ی همسری، مادری و پدری، زمینه های گسترده ای دارند که مانند دو انسان برابر در انسانیت می توانند برای ساختن زندگی، دوشادوش یکدیگر فعالیت کنند؛ (همان، بیتا: صص ۳۹-۳۸) البته این سخن همواره مطرح بوده است که اسلام می خواهد زن در درجه اول خانه دار باشد، اما اسلام کار زن در خانه را از لوازم عقد ازدواج نمی داند و انجام هیچ کاری را در خانه برای تأمین هزینه های خانواده یا مشارکت در آن لازم نمی داند؛ بنابراین، انجام کارهایی چون خانه داری و سرپرستی فرزندان بر وی واجب نیست؛ هرچند می تواند بهترین یاری و لطف زن به مرد محسوب شود. البته معنای سخن بالا آن نیست که زن نباید به هیچ کاری دست بزند؛ بلکه منظور آن است که اسلام از زن می خواهد کار خانه خویش را از جهت کمک و نیکی انجام دهد. اسلام از راه وادار نکردن زن به کار در خانه، فرصتی برای وی فراهم کرده تا در ساختن جامعه ای که در آن زندگی می کند، نقش داشته باشد؛ از این رو، با کاستن از بار مسئولیت خانوادگی و حتی همسری زن، در عمل، نقش وی را در ساختن زندگی پذیرفته است (رک. همان، ۱۹۹۷م: ۷۷)

ص ۶۱) در نتیجه، زن در اسلام، حق کار کردن در همه زمینه های مشروع را دارد. تنها مورد ناسازگاری حق اشتغال زن، زمانی است که کار او با حق ویژه مرد تعارض پیدا کند. (همان: ص ۶)

۲-۷. دیدگاه سید قطب درباره کسب و کار زنان

از نظر سید قطب، حق کار و کسب برای زن، فرع عملی است. قطب می گوید: اسلام به زن حق اشتغال را در صورت نیاز جامعه اعطا کرده است؛ اما حق خانه داری را بر آن مقدم می داند: «زیرا اسلام زندگی را بالاتر از صرف خوردن و آشامیدن می داند و از ابعاد گوناگون به زندگی می نگرد و برای افراد جامعه، وظایف متعدد و در عین حال مکمل و هماهنگ قایل است. (همان: ص ۵۱) همچنین قطب تأکید می کند، زمانی که زن از وظیفه اساسی خود که تربیت نسل جدید است، دست بکشد و خود او یا جامعه اش ترجیح دهند که مهماندار هتل یا کشتی یا هواپیما باشد، چنین چیزی نشانه پسماندگی تمدنی یا همان جاهلیت است. (قطب، بیتا: ص ۱۱۲)

۳-۷. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب درباره کسب و کار زنان

علامه کسب و کار زنان را همانند مردان می پذیرد به اعتقاد وی اسلام از راه وادار نکردن زن به کار در خانه و با کاستن از بار مسئولیت خانوادگی و حتی همسری زن، در عمل، نقش وی را در ساختن زندگی پذیرفته است و تنها مورد ناسازگاری حق اشتغال زن، زمانی است که کار او با حق ویژه مرد تعارض پیدا کند. اما سید قطب با پذیرش اصل احترام به زن در اسلام، کسب و کار را امری فرعی برای زن می داند. در نظر وی اسلام به زن حق اشتغال را در صورت نیاز جامعه اعطا کرده است؛ اما حق خانه داری را بر آن مقدم می داند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در اسلام، مبنای ارزش گذاری انسان ها کرامت و تقوا ذکر شده است و در این عرصه جنسیت هیچ نقشی ندارد. علامه فضل الله در جایگاه یک اندیشمند شیعی نگاهی مترقی تر نسبت به اسلاف خود به جایگاه و مسائل زنان دارد. ایشان با هدف ارائه اصول کلی حاکم بر نظام اجتماعی اسلام، دیدگاه های خاص و مهمی درباره حقوق زنان دارند که مهمترین آنها عبارتند از؛ یکسان بودن مبدا پیدایش انسان ها؛ کرامت ذاتی انسان ها و عقل گرایی و اجتماع گرایی.

فضل الله قائل به برابری و مساوات کامل حقوق زن و مرد در اسلام است و مواردی مانند ارث را استثنائات می داند که دلیل و علت خاص دارد. ایشان حتی حضور اجتماعی و کسب و کار را همانند مردان

برای زنان جایز می‌داند. وی دو عامل را در پیدایش وضعیت موجود زنان مؤثر می‌داند؛ انحطاط جوامع اسلامی و تأثیر آن از جوامع پیرامونی.

از نظر قطب، اسلام به لحاظ جنسیت و حقوق انسانی، برابری کامل بین زن و مرد برقرار کرده است. ایشان با پذیرش برتری برای یکی بر دیگری در بعضی موارد، آن را تنها مربوط به استعداد طبیعی است که بر حقیقت وضع انسانی دو جنس تأثیر نمی‌گذارد. به این ترتیب هر جا که این دو به لحاظ استعداد، خصلت و مسئولیت برابر باشند، حقوق برابر دارند و هر جا که تفاوت داشته باشند، به تناسب وضع خود، شأنی متفاوت می‌یابند. (قطب، ۱۳۸۳: ۴۷) بر همین اساس ایشان کسب و کار و هر گونه حضور اجتماعی را که با وظیفه اصلی زن، یعنی همسری و مادری منافات داشته باشد را فرعی می‌داند و وظیف اصلی را مقدم می‌کند.

به نظر می‌رسد هر دو به حقوق زنان به عنوان جنسی برابر با مردان نگاه مثبت دارند هر چند که این نگاه در آراء و آثار به جامانده از علامه فضل‌الله واقع‌گرایانه و مشهود تر است و در اندیشه سید قطب آرمان‌گرایانه و کم‌فروغ تر به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابراهیم، محمد فائز، (۱۳۸۴)، سید قطب و بیداری اسلامی، احسان، چ ۱.
۲. بخاری، (۱۳۱۵ق)، صحیح البخاری، ج ۸، کتاب الأحکام، باب الاستخلاف.
۳. بهرامی، محمد، (۱۳۸۹)، «تفسیرشناخت من وحی القرآن»، پژوهش های قرآنی، دوره ۱۶، ش ۶۴.
۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد، (۱۴۳۵ق)، مستدرک الصحيحین، جلد ۳، لبنان: بیروت، دار التاویل،
۵. حاجی خلیفه، (بی تا)، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، ج ۱، لبنان: بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. حسین پوری، امین، (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، «نگاهی به تفسیر من وحی القرآن علامه سید محمدحسین فضل الله»، دو فصلنامه حدیث اندیشه، ش ۱.
۷. حسینی میرصفی، سیده فاطمه، (۱۳۹۹)، «گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن»، بینات، ش ۹۰-۸۹.
۸. الحسینی، محمد، (۱۴۳۷)، مطارحات فی قضایا قرآنیة، بیروت: لبنان، المركز الإسلامی الثقافی.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۷)، «آزادی از نظر اسلام و غرب»، اندیشه حوزه، ش ۱۴، ص ۳۷.
۱۰. ذهبی، محمدحسین، (۱۳۸۱ق)، التفسیر والمفسرون، ج ۱، قاهره، دار الکتب الحدیثه.
۱۱. ریچارد میشل، (۱۳۹۰)، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، ج ۲، چ ۲.
۱۲. صدر، سیدمحمد باقر، (۱۴۱۰ق)، الامس الاسلامیه، بیروت: دارالفرات.
۱۳. سید قطب، (۱۳۹۳ش)، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران.
۱۴. سید قطب، (۱۴۱۲ق)، آینده در قلمرو اسلام، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، مشهد، انتشارات سپیده،
۱۵. سید قطب، (۱۳۹۲)، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه مهدی خسروشاهی، بوستان کتاب.
۱۶. سید قطب، (۱۳۹۲)، ما چه می گوئیم، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۷. قاضی؛ ابوالفضل، (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. فضل‌الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
۱۹. فضل‌الله، محمد حسین، دنیای زن، ترجمه دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۰. فضل‌الله، محمد حسین، استفتانات، سایت بینات.
۲۱. شیوا پور، حامد، (بهار ۱۳۸۷)، «من وحی القرآن تفسیری اجتماعی و واقع‌گرایانه»، پژوهش‌های قرآنی، سال چهاردهم، ش ۵۳.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسس و الة فاء.
۲۳. مرادی، مجید، (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، «ابعادی از جهانی اندیشی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل‌الله»، حوزه، ش ۱۵۵.
۲۴. مرادی، مجید، (۱۳۸۲)، «زن واقعیت‌ها و پرسش‌ها»، مجله زن، ش ۳۵.
۲۵. معلم کلانی، شمس‌الله، (بهار ۱۳۹۱)، «ساختارشناسی تفسیر من وحی القرآن»، بینات، ش ۷۳.
۲۶. وینسنت، اندرو، (۱۳۹۲)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چ ۹.